

MAX PAYNE 3

مکس پین پس از سقوط

EXPLICIT
CONTENT

HOUSER
LAKE
BLANCO
WILSON



©REG TORN

PRESENTED BY

MARVEL

CUSTOM
EDITION

1 of 3

NOT FOR RESALE

هونو کون ابرو کون نینو جوسون
ساعت ۲۲ نصفه شت

آزاد به سه ساعت یا پنج سالی من شد که من توی بار بودم.
البته اول بکن به این راه به موضوع ظهور نشات کن.

بعد شتم هونو طرز عین
الصلح من در ارتباط با اوتس
افراد به سرانتم اوبد این عین
عقل باها منو شکست راه بهر.

Walters
BAR

باید قبل ردت من کردم که این موضوع یکی
از نقاط ضعفه که من تونه منو دوباره زمین بنداره!

آیا به اصطلاح نقطه ضعفه هونو (رابطه انحصاریم بود؟)
یا نسبت به رهبران؟ شاید طرز تفکر که من تونم
در این موضوعات رذالت کنم؟ حق هم شاید ناشی از رفتار و کردارم بود؟



DAN HOUSER & REMEDY'S SAM LAKE writers
FERNANDO BLANCO artist
MATT WILSON color artist
VC's CLAYTON COWLES letterer
GREG HORN cover artist
A.J. FIERRO & RAPHAEL RODRIGUEZ project managers
JON MOISAN assistant editor
BILL ROSEMANN editor
AXEL ALONSO editor in chief
JOE QUESADA chief creative officer
DAN BUCKLEY publisher

MAX PAYNE 3 VOL. 1: AFTER THE FALL. MARVEL and all related indicia are TM Marvel Entertainment LLC and its subs. ©2004 - 2012 Rockstar Games, Inc. Rockstar Games, Rockstar Studios, Max Payne, and the Rockstar Games R&G marks and logos are trademarks and/or registered trademarks of Take-Two Interactive Software, Inc. in the U.S.A. and/or foreign countries.



اون زخم صلاح نبود منم
باید به جراتی بعضی اسلحه من دارم!

چی گفتی؟
صحت دارک به بار زده بله.

هونو که تفری.
من نذارتم نیستم بیخورد بی سرو پا
تصدیق؟؟؟



قبل از اینکه بدونم دارم چهکار می کنم من تفکلم
رو نشونه گرفتیم اونم رو چه کسی!
یک پشه مایه دار اهل نیوجرسی که تازه باباش هم کلاه ننده مافیای بودش



والا..... ای

من ختی یارم هم نیکار که چه زنی او به خاطر مایه دم
ممنه برای من ارزشی نداشتت دم.

آیا ارون مارم بود؟

ماهان من مطمئن کم
بیا بخاطر کار زیادش دم نکره است

از تنها دختر عزیزم؟

میش، آینه من و
همه عزیزم؟

او یا صوا ارون زیبای جودان راهم نترنی؟
به هر حال همشون از یتیم رفتن.

نو دلمه قادر نیستی کم منو
بکشی وقتی کم یتیم.
راه های زیادی برای
کشتن به آرم هتس ملر!

به هر حال ارون زن تنها کسی
بودش که با تمام زخم میخواسم
فراموشش کنم...

اما باز هم ارزشی نداشتت.
من همیشه چیزهایی کم
نوست ندارم و بیاد میارم.

11:52

یازده سال قبل...

این موضوع همیشه به همین عنوان بوده و هیچ اهمیتی
برام نداشته که چند نفر رو کتوم یا چقدر این کت و شکار رو ترو تمیز انجام دادم
من هیچ وقت این قضیه رو فراموش نمی کنم
که افرادی که بهتون علاقمند بودم از شغلی که داشتم مطلع بودن.



جان لویس جون عقبه مدار مغاره جوت میارنه
برای لب جایزه چه کاری انجام بده

من همیشه بعضی کتوم از این کار کتوم رسته بتم
این ازم تقصیر یکه راه دیروز برکتی
به سمت زندانه

با خبر و خوش آوازه کتوم بتم یک شهروند کاری
من نیمه ام طین عالم!!!

هنی براج میسون (ایم)

سراج سراجی کتوم براج



خاکه روزهای من از اینجور بود. خوشی که از بیهودگی بود.
یک زندگی تغییر و مهتر از همه آنها. یک شاه سالم به زندگی.



پدرم هیچ وقت حجت جزئی رو با نوبین و در نامه هاشم تلف نمی کرد.

اون خیلی مشغول بود.
متخصص این بود که به بقیه بگه چطور زندگی کنن.

تو باید نسبت به یک چیز در زندگی ات درست کار کنی.
در غیر این صورت
زندگی برای تو هله آکه کم رنگ خواهد بود.

تو باید قادر باشی که در چشم بیستی بدون اینکه بفروسی.
بدون اینکه بشعور باشی.
من تمام این ها رو پیش در لیسن خطرم بودم. یاد گرفتم.

یک دو رویم جزئی.
اون از خانواده بود.
وقتی این مناسبت بود.

اما امروز روز تولدش هست
جای، لطفا...

این... این... به رطبه خان.
فقط خفه شو. من باید برم... باید برم سر کار... این.
اون رو توکی تو مندا
اون خیلی بیعت... باید توکی تو بشه... به هر حال

و او دیوس را هاشم را به سوکی خانه بیدار کرد...
تا فقط چیزی که میخواست را ازش کند...
خدا یاران تنها در جلال ازار و ازیت او نبودند

ما داریم، یک اروپا پر از بود. پدر ششم،
کسی بود که به من چیزهای زیادی آموخت تا در دانشگاه بتوانم موفق باشم.
هر دوستان من تو راه زندگی من هم و موثر بودند.

اون موگ گفتن، صحبت کردند
و خیال پردازی کردند.
بصورت از دنیاکی واضح ماست.

پنهان بودم [تخصص در داستان اوستا]
هنوز هم بشکله اونم



و امیدوار بود که ما همه چیز را فراموش کنیم.

اون چشما شور و در مقابل بعضی چیز ها بسته بود.

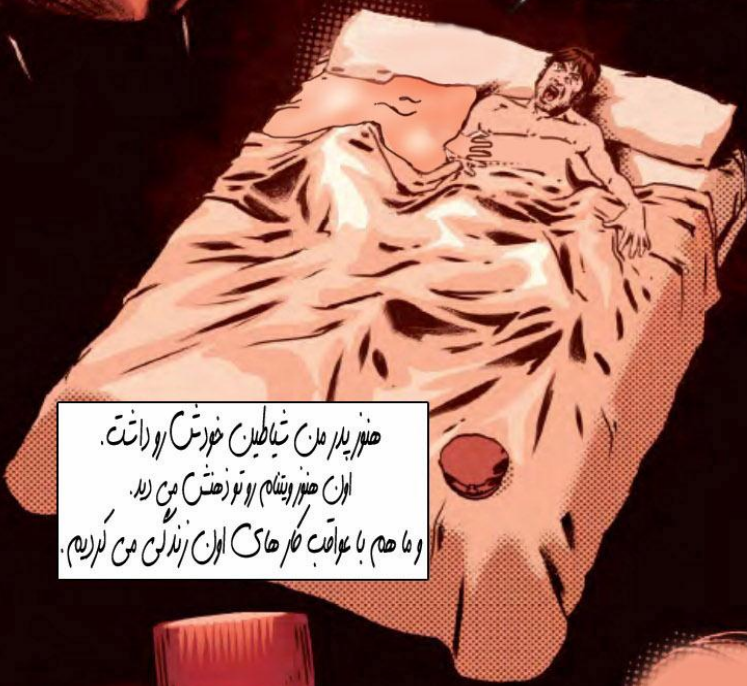
سلام؟ سلام؟ کسی اینجا هست؟

من به تو یاد میدم که چطور می بهم احترام بزاری

چیزی نیست جک، چیزی نیست. همه چیز مرتبه. تو در امان هستی. ما همه در امان هستیم

هنوز پدر من شیاطین خودش رو داشت. اون هنوز وینتام رو تو زهتن می زد. و ما هم با عواقب کار های اون زندگی می کردیم.

AAAAA
AAAAA
AAAAA
AAAAA
AAAAA



نووشابه

من میخواستم به مادرم کمک کنم. اما نمیدونتم چطور می.

من خورم نمی نوشم به رفیق چه چیزی هستم.
هر کسی که من بهش اهمیت می دارم، حالا رفیق
و یا نزدیک به رفیق، به راه یا راهی دیگر



من لباس رو پوشیده بودم میرفتم تا مردمی رو ببینم
که اهمیت به هیچ چیزی ندارند

احساس مثل یک سرباز آهنی کار بردن که بی نظیرم
نشانی پوشیده بودم برای مبارزه می رفت.
یک مبارزه که من ایدار نشوندم که چیزی بیرون میدان بشم



نوشابه



وضعیتم طوری بود که همه جای بدنم درد می کرد.
من برای این شخم زدم پیر شده بودم.
حق به زمان مرگم فکر می کردم که نفسی با کم بودم یک
از اعضای بدنم برای همیشه خاموش بشم.



من از میان سالن و پیر شدم و حجت راستم و این
و حجتی بود که من بهش عادت کرده بودم



حالت چطوره؟

این یارو
حق از من بدبخت تر بود



فقط خدا از این خبر داشت توی اون دنیا
که زندگی من کرد چه وضعیت داره.
چه برسه به این که یارو چه طرز فلکی رو داره.



من خشنم بره که منتم با بدنامی زکی که کرده بره
باوشت ها و ترس هام کنار بام
و این ها رو تحت نظر خودم در بام.



نهانش ابراهیم بود نه من سوارایی از
ماترین های سعوزی (ام) های کله کله بتم!





این افسر چیزهای زیادی از به یارم میاره

ببین از همکارانم افسر بالدر

شهران نباش. من
صوت رو دارم رفیق

رئیس من، کس که دلیل
بودن من در اونجا بود

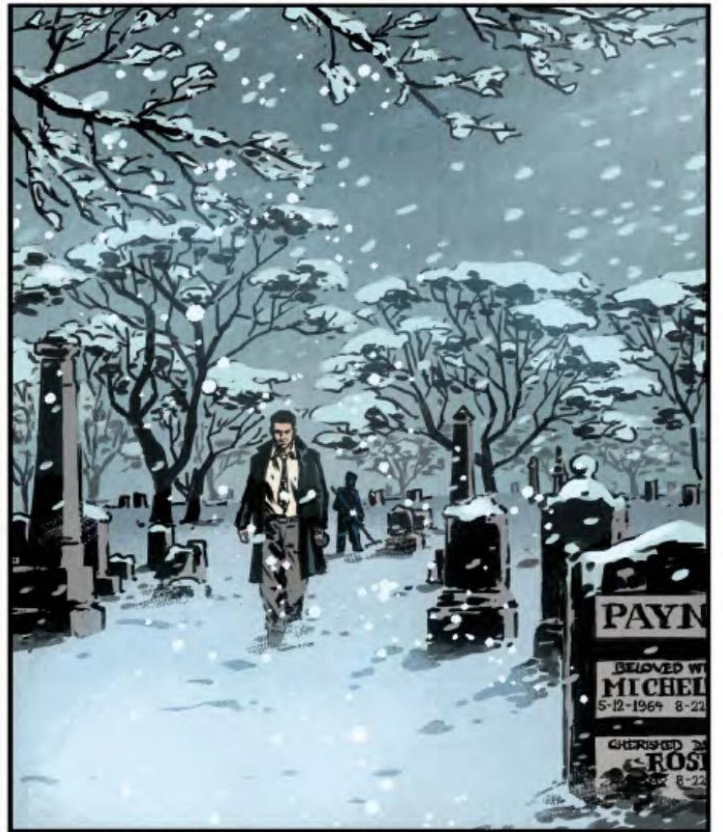
من بیزارت دارم منس.
در پس چیزهایی که ارتقا بخشه من بیلن.
من چیز بیزارت دارم

ممنون قربان

من فقط یک چیز از تو میخواهم.
من رو افسر فرض نکلن

زنی که یک پلیس بود،
چیزی که من هرگز نبودم.





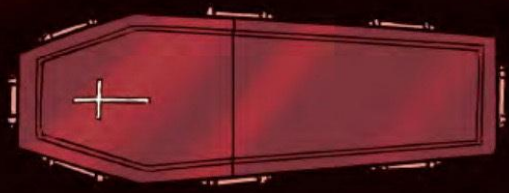
ما بسوی تو بازیم فرستاریم.
پدر، اعتقاد ما، و مادر رو ستاییم ما، و همسر.
هلن پین.

من میروم، تو چقدر صدمه دیدی ملس.
میروم، چقدر مادرت رو دوست داشتی.
میروم، اما به من اعتماد کن...

من فقط میخواستم اونو نباشم
پدرم، اما نمیخواستم چیزی...

به من اعتماد کن،
وقتی من میام،
باور کن بهتر میشه.

باشه



من پدرت رو دوست داشتم،
اما باید به پدرم من نفسم که میروم بیشتر از یک لعنتی نیستی

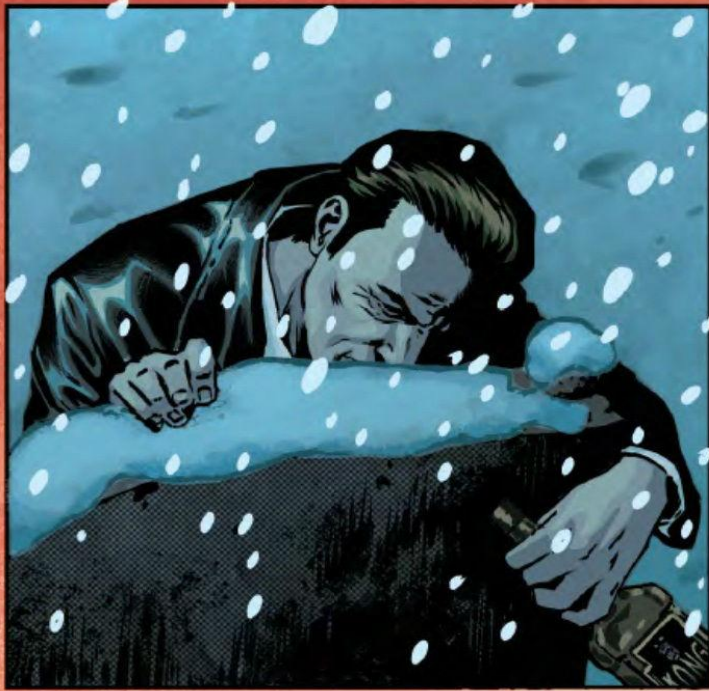
من همسر رو خیلی دوست داشتم...
ملس... ملس... تو لجا بودی؟؟
بیا و به شرتن جون سلام کن



مادر من مرده بود، نمیروم اتم پدرم به اصلی بود یا به خیانت ما، بالاخره مادرم رو گرفتم بود.

سه سال بعد،
پدرم هم به مادرم
ملحوظ شد.



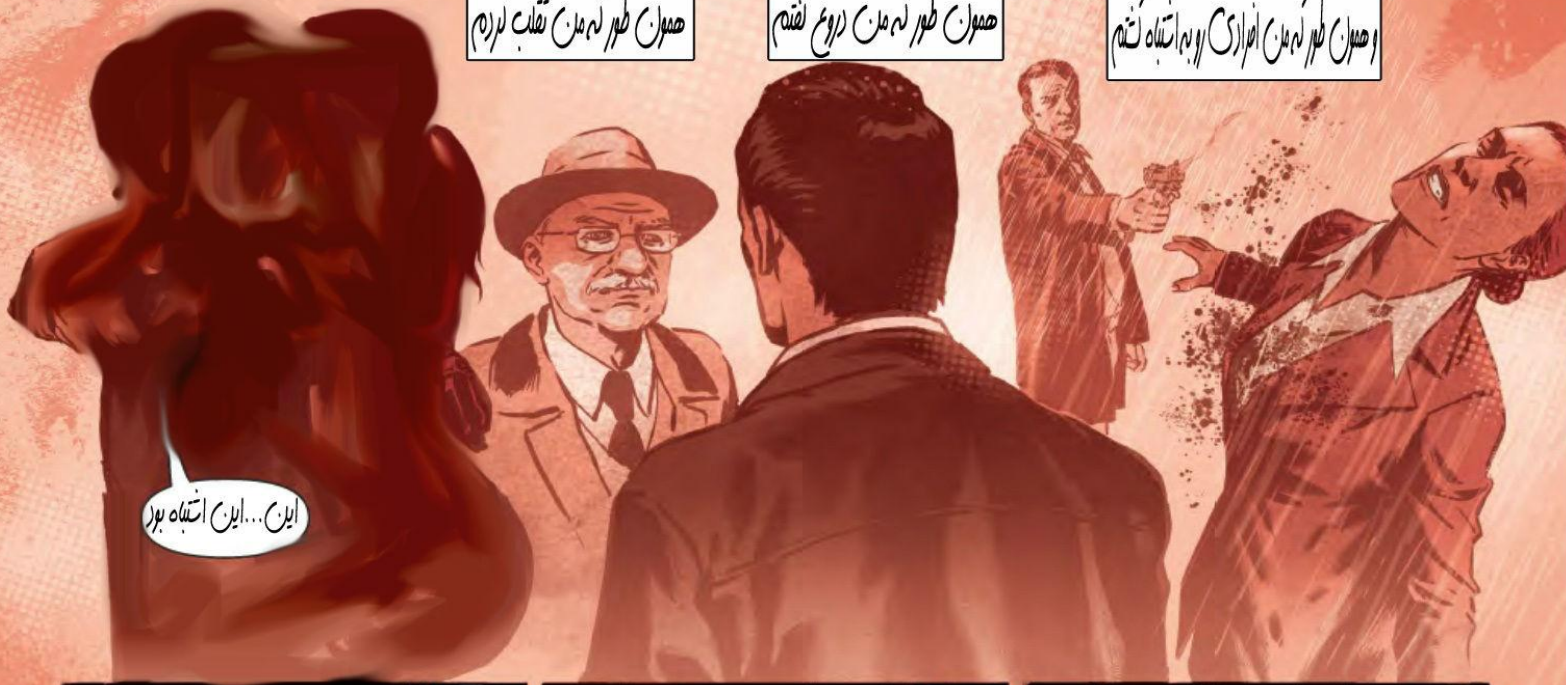


همون طور که یادم میاد جطور تو
استراحت های خورم زندگی من کردم

همون طور که من قلب کردم

همون طور که من دروغ گفتم

همون طور که من افرادی رو به اشتباه کشتم



اینها... این اشتباه بود



الان، زمان این بود
که به دست من می کشم...
یا تلاش کنم تا بگیرم

این داستان ادامه دارد...

The image is the cover art for the video game Max Payne 3. It features a large, close-up profile of Max Payne's face at the top left. In the center, a man with a red bandana and a woman with long dark hair are shown. The man is holding a large handgun. The background is a cityscape at sunset or sunrise, with a helicopter flying in the sky. The text 'ROCKSTAR GAMES PRESENTS' is written in a small font above the main title 'MAX PAYNE 3', which is in a large, stylized, jagged font.

ROCKSTAR GAMES PRESENTS
MAX PAYNE 3

مدیر مسؤل : شایان وزیری
سانسور یست : جواد امینی. شایان وزیری
مترجمین : عماد عامری سجاد سعیدی شایان وزیری
ویراستار : امیر حسین فیاضی
گرافیسٹ : امیر حسین فیاضی امیر حسین ملک محمدی